

شیخ مفید

حضرت آیت الله بهجت می فرمودند: «این سه شخصیت (سید مرتضی، شیخ مفید و شیخ طوسی) خیلی بزرگوار بوده اند و تقریباً به مذهب حیات دادند، بلکه شالوده و اساس و پایه مذهب تشیع را اینها ریخته اند. جزأهم الله خیرا».

در سال ۳۳۶ ه.ق. در عکبرای بغداد پسری به دنیا آمد که او را «محمد» نامیدند. محمد تحصیلات خود را نزد خانواده بافضیلت خویش آغاز کرد، سپس راهی بغداد شد و در آنجا جان تشنه خود را از چشمه های علم اساتید بزرگی همچون ابن قولویه، شیخ صدوق، ابن ولید قمی و ابن جنید اسکافی سیراب نمود. توفیق رفیقش بود و تلاش و کوششی بی وقفه داشت؛ از این رو پس از مدتی نه چندان دراز، آوازه فضلش شهر را پر کرد و نزد شیعه و سنی به «شیخ مفید» مشهور شد.

مردم از نقاط مختلف به شیخ مفید، که اینک عهده دار زعامت شیعه بود، رجوع می کردند و سؤالات خود را می پرسیدند. روزی شخصی روستایی آمد و گفت: «ای شیخ، زنی باردار وفات کرده و بچه اش در شکم زنده است، چه کنیم؟ بچه را بیرون آوریم یا با او دفن کنیم؟». شیخ گفت: «زن را با حملش دفن کنید». مرد در راه بازگشت با سواری برخورد که می گفت: «شیخ فرموده است: بچه را از شکم زن خارج کنید و سپس زن را دفن کنید». پس از چندی، ماجرا به شیخ رسید. شیخ که یقین داشت آن شخص امام عصر علیه السلام است، با خود اندیشید: «حال که در احکام شرعی خطا می کنم، همان بهتر که دیگر فتوا ندهم». تا اینکه توفیقی از جانب امام عصر علیه السلام به دستش رسید که در آن نوشته بود: «بر شماست که فتوا بدهید و بر ماست که شما را از خطا نگاه داریم».

شیخ مفید تنها کسی است که در دوران غیبت کبری توفیعاتی از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر علیه السلام به نامش صادر شد. در

یکی از این توفیقات، آن حضرت علیه السلام، شیخ را چنین می‌ستاید: «ما خدا را به سبب وجود تو شاکریم». و در همان توفیق او را مأمور می‌کند که این پیغام را به شیعیان برساند: «ما از اخبار شما آگاهیم، شما را از یاد نبرده‌ایم، که اگر از یاد می‌بردیم، بلاها به سوی شما سرازیر می‌شدند».

حکومت شیعی آل بویه در عصر شیخ مفید، فرصتی را فراهم آورد تا شیخ بتواند با افکار و عقاید مخالفان به مبارزه بپردازد و با شرکت در مناظرات، عقاید ناب شیعه را بسط و گسترش دهد. شیعه با حضور این فقیه، از آزادی و احترامی نسبی برخوردار شد و از پراکندگی و وضعیت اسف‌باری که پیش از آن داشت، نجات یافت.

مسجد «برائنا» در شهر بغداد، محل تدریس او بود. او بزرگانی را تربیت کرد که هریک ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و معرفت شدند. بزرگانی همچون سید مرتضی و برادرش سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابویعلی جعفر بن سالار و ابوالفتح کراچی.

شیخ مفید آثار قلمی بسیار ارزنده‌ای در موضوعات گوناگون فقهی و کلامی تألیف کرد. شیخ طوسی، شاگرد برجسته او، تألیفاتش را ۲۰۰ عنوان شمرده است.

پس از ۷۷ سال عمر با برکت و خدمات ارزنده، در سال ۴۱۳ هـ.ق. رخنه‌ای بزرگ بر پیکر اسلام وارد شد. شاید عباراتی که به امام عصر علیه السلام منسوب است، گویای بزرگی این فقدان باشد. نقل است که پس از رحلت شیخ این عبارات را بر روی مزارش نوشته دیدند:

لا صَوْتُ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ
 إِنَّ كُنْتَ قَدْ غَيَّبْتَ فِي جَدِّكَ الرَّئِي
 وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا
 تَلَيْتَ عَلَيْكَ مِنَ الدَّرُوسِ عُلُومُ
 يَوْمَ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمُ
 فَالْعَدْلُ وَالْوَجِيهُ فَيْكُ مُقِيمُ

آواز آن که خبر مرگ تو را اطلاع می‌دهد به گوش نرسد، زیرا روز مرگ تو برخاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخت گران است. اگر در دل خاک پنهان شده‌ای، عدل و توحید در توحجای گرفته است. و قائم مهدی خوشحال می‌شود هر زمانی که علوم و دروس بر تو خوانده می‌شود. سید مرتضی بر پیکر پاکش نماز گزارد و پس از تشییع با شکوه در حرم کاظمین، پایین پای حضرت جواد علیه السلام به خاک سپرده شد.